

کاش یک پیام یا حداقل پیامکی یعنی پیام کوچکی، در پیامک های پیدمان باشد و از تعطیلات استفاده کنیم تا به عمق ذهن مان سفر کنیم

مشاوره

در محضر استاد ورچه مشاور امور خانواده

در این آخر سالی تصمیم گرفتیم خدمت استاد ورچه، یکی از اساتید مجرب مشاوره در امور خانواده بر سیم و پر سرش های شما خوانندگانِ جان در زمینه مشکلات خانوادگی ایام نوروز را از ایشان بپرسیم.

خانمی هستم پنجاه ساله، که بیست و پنج سال است از دواج کرده‌ام. ولی در این مدت یک شب راحت نتوانسته‌ام بخوابم، از بس همسر م شب تا صبح خر و پف می کند. گاهی شب‌ها صدای تراکتور می‌دهد و گاهی دریل. این‌ها چیزی نیست، عادت کرده‌ام. ولی در طول تعطیلات نوروزی از بس پر خوری می‌کند تا صبح صدای غذا ساز و همزن و حتی چرخ گوشت می‌دهد که دیگر قابل تحمل نیست. کاسه صبرم لبریز شده و قصد طلاق دارم. لطفا راهنمایی کنید تا زندگی‌ام از هم نپاشد.

اگر زورتان بهش نمی‌رسد که جلوی پر خوری اش در دید و باز دیدهای عید را بگیرید، حتما آخر شب مقداری روغن زیتون به خور دشت بدهید و روی سرش بمالید تا چرخ دنده هایش روغنکاری شده و صدا ندهد. استفاده از پنبه درون گوش هاهم راهی برای حفظ کانون گرم خانواده است. همچنین می‌توانید از صدا خفه‌کن های تولیدی ما استفاده کنید که صدا را به‌طور کامل قطع می‌کند، انگار طرف مقابل دور از جان مرده. برای اطلاعات بیشتر عدد ۱ را به همین شمار پیامک کنید.

سلام خدمت استاد. مشکل من از وقتی شروع شد که چند سال پیش در مهمانی عید منزل عمه‌ام، وقتی شوهر عمه‌ام یک جوک بی‌نمک تعریف کرد به خاطر رودر با یبستی بهش خندیدم. از همان لحظه فکر می‌کند خیلی بانمک است و چون تنها کسی هستم که به جوک‌ها پش می‌خندم، هر جا مرا گیر می‌آورد شروع می‌کند به جوک مسخره و گفتن و مجبورم بخندم. کار به جایی رسیده که در گروه خانوادگی تا استیکر غش کردن از خنده نفرستم دست از سرم بر نمی‌دارد. با توجه به فرار سیدن نوروز و دیدن هر روز هاش در عید دیدنی‌ها، بگوئید چه کنم که خلاص شوم؟ دیگر طاقتش را ندارم... دل وروده و گونه‌هایم درد گرفته از الکی خندیدن...

متأسفانه با رونق گرفتن شبکه‌های مجازی این موضوع یکی از مشکلات رایج این روزهای جامعه است. این مورد شما هیچ راه‌علاجی ندارد به جز این که یا شوهر عمه‌تان را عوض کنید و یا با فامیل قطع رابطه کنید.

سلام اوستا. خلاصه کنم، من پرسپولیسی‌ام و عیالم استقلال‌لی. اولتیماتوم بر اش گذاشتم تا سیزده بدر اگر پرسپولیسی نشد طلاقش می‌دم. والسلام!

اولا این چه ربطی به نوروز داشت؟ بعد از آن، شما بیجایمی کنید عزیزم! ضمن محکوم کردن این عمل شما اعلام می‌کنم که فقط مشکیتی، زت زیاد!

علیرضا کاردار

شعر طنز

همینجوری!

کاشکی پر بار باشد سال نو
بهر مردم، کار باشد سال نو
آدم بی‌پار در سال جدید
در کنار یار باشد سال نو
کاش مانند زمان های قدیم
پول ما بسیار باشد سال نو
صبح قبل از رفتن من بهر کار
همسرم بیدار باشد! سال نو
جای سیگاری که دارم توی کیف!
بسته خود کار باشد سال نو
یا مسیر رفتن ملول ها
داخل بلوار باشد سال نو
روی میز کار و حتی تختخواب
کاغذ آچار باشد! سال نو
لیگ برتر، جام حذفی، لیگ یک
خالی از اخطار باشد سال نو
پای آدم های شلوار ک به پا
لااقل شلوار باشد سال نو
مرغ، ماهیچه، فستجان غیر سوپ
لحظه ای افطار باشد سال نو
رب و روغن، مغز دو، میوه جات
داخل انبار باشد سال نو
کاش می شد آن کسی که رفت و نیست
پیش ما انگار باشد سال نو...

امیرحسین خوش حال

باس ماس

الکی بخندین

تازه داماد باس تو دزد و باز دزد عید وقت میره خون
عمه عیالتش، ب چک بی مزه شوهر عمه خانیش کی
رئیس بانک بلند بلند بخنده به خاطر زودتر
گرفتن وام ازدواج، بلکه چون جک هیچین آدم
محترمی صفا خنده داره، حالا آگه ذهن آدم
اهمیتش رو درک نکرد عیب از خودش!

!؟



محمد علیرزاده:

طوری که می‌خوند: «هواتو کردم، من حیرون تو این روزها هواتو کردم»
طوری که می‌شنیدیم: «هواتو کردم، من حیرون تو این روزها هواتو کردم!»



محسن چاوشی:

طوری که می‌خوند: «برای گریه کردنات یکی دوروزی کافی»
طوری که می‌شنیدیم: «برای گریه کردنات یکی دوروزی کافی»
بیا بدوش برای من، اینم برای بقیه!»



گروه آریان، آهنگ گل آفتابگردون:

طوری که می‌خوند: «بمون همیشه کنارم، تویی خورشید، منم اون گل»
طوری که می‌شنیدیم: «بمون همیشه کنارم، تویی خورشید، منم منگل!»

چی می‌خوند؟ چی می‌شنیدیم؟

نه تنها پدر و مادرها که من و شما هم خیلی وقت‌ها، متن خیلی از ترانه‌های اتفاقاً معروف را غلط شنیدیم و غلط خوانده‌ایم. جوری که اگر این نمونه‌های اشتباه را برای هم تعریف کنیم، از خنده روده بر می‌شویم؛ مثلاً بد نیست بدانید اصل ترانه کودکانه «تاب تاب عباسی، خدا منو نندازی» که همه ما با آن خاطره داریم، «تاب تاب هم بازی، خدا منو نندازی» هست. خلاصه از این دست اشتباهات بامزه و خنده‌دار کم نیست. با هم چند مورد از باحال‌ترین هایش را مرور می‌کنیم.



رستاک:

طوری که می‌خوند: «بارون بارونه، زمینا تر می‌شه»
طوری که می‌شنیدیم: «بارون بارونه، سمینار تعطیله!»



علی لهراسمی:

طوری که می‌خوند: «اونی که مدعی بود عاشقته»
طوری که می‌شنیدیم: «اونی که غده‌ای! بود عاشقته!»



معمای طنز

باهوش و حس طنز خود کلنجار بروید

معماهای جالب و خنده‌دار

۱- اگر اسکلت از بالای دیوار به پایین برود، چه می‌شود؟
۲- ژاپنی‌ها به گوساله چه می‌گویند؟
۳- فرق بین عینک و تفنگ چیست؟
۴- دندان کرسی چه فایده‌ای دارد؟
۵- چرا آب هنگام جوشیدن قل قل می‌کند؟
۶- اگر قلب کسی ایستاد چه کنیم؟
۷- اگر یک زنبور داخل دهان گربه برود، گربه چه می‌گوید؟
۸- چرا دو چرخه خودش نمی‌تواند بایستد؟
۹- چطور می‌شود چهار نفر زیر یک چتر بایستند و خیس نشوند؟
۱۰- چطور می‌توان یک پرندۀ را به راحتی کشت؟
۱۱- چرا بعضی‌ها نمی‌توانند یخ درست کنند؟

جواب معما

۱- هیچ وقت این کار را نمی‌کند چون جگر ندارد!
۲- نی نی گاوا.
۳- عینک را می‌زنند و می‌بینند ولی تفنگ را می‌بینند و می‌زنند!
۴- در زمستان ما را گرم می‌کند! پس چرا در زمستان، دندان هایمان از سرما به هم می‌خورد؟ چون آن موقع، کرسی خاموش است!
۵- چون میکروب‌های آن می‌سوزند و فریاد می‌کشند!
۶- برایش صندلی می‌گذاریم.
۷- میوز... میوز....
۸- چون خیلی خسته است!
۹- در صورتی که بارون نیاد.
۱۰- آن را از بالای صخره به پایین پرتاب می‌کنیم.
۱۱- چون همیشه دستور العمل تهیه را فراموش می‌کنند.

مصاحبه با آق کمال کله چغوقی

با هر چیزی می‌شود خوشبخت شد

خوانندگان «زندگی سلام» کنجکاو بودند بدانند این آق کمال کیست و از کجاست و کله‌اش مثل چغوک در همشهری سلام پیدا شد. به بهانه عید از ایشان دعوت کردیم به تحریریه روزنامه بیاید تا از خودش بگوید.

چرا آقا کمال کله چغوقی؟
آقا کمال نه و آق کمال! آقاها خیلی بزرگن ولی مو آق خالیم! خب اسبم که کماله، از وقتی هم بچه بودم بهم مگفتن کله چغوقی، چون کله خر بودم. تا حالا که بری خودم کله گندره تهم هم روم مانده!

واقعاً مهندس هستین؟
انا جالا خوب رفت! مویگ کلمه تو ای نوشته‌هام دروغ نمگم. یادم شد مدرکمه بیارم. ایم کارت شرکت مایه، آگه روزنامه خراسان یا خودت تعمیرات و ساخت و ساز داشتن

یگ رنگ به ما بزین، حله!

*** لطفاً تبلیغ نکنید! چرا این قدر غلیظ مشهدی صحبت می‌کنین؟**
دداش مخی کجایی اختلاط کُتم پس؟ چون مشهدی‌ام، لهجه دیگه یاد ندم. چه اشکالی دره به لهجه جدو آبادی خودما حرف بزیم؟ بچه‌های الان انگار خجالت مکشن به لهجه شهر و روستا شش حرف بزین. مواز دستی غلیظ حرف مز تم که خجالت نسل جدید بیریزه و کلمه‌های اصلیره یاد بیگیرن.

*** چطور شد تصمیم گرفتین از زندگی تون بنویسید؟**
راستش زندگی سلام ره خیلی دوست داشتم. انقد پیامک زدم و پیله کردم تا از روز رفتن! الان هفته‌ای دوروز

*** رابطه‌تون با باجناتون چطوره؟**
عالی! هم عینهو دور و در دبدن! دداش بی‌زحمت بحث ره منحرف نکن، بذار جو مصاحبه صمیمی و بی‌اشکل باقی بمانه!

*** عجب! حالا واقعا از زندگی مشترک راضی هستین؟**
معلومه! مگه مشه کسی راضی نبشه؟ اونایم که غر مزین راهشه یاد ندرن. اصلاً بری همی خاطر اتمه می‌نویشم تا اونایی که راهور سمشه یاد نگر فتن، ببیین با چیزهای کوچیک هم مشه خوشبخت رفت.

*** پس «ز» نیستین؟**
جان دداش؟ یگ بار دیگه ای حرفته بزنی، نه مو نه تو! موزن ذلیل نیستم، فقط خیلی به کاملیا خانم احترام می‌ذارم. (در این لحظه به احترام عیالش از روی صندلی بلند می‌شود و دوباره می‌نشیند!)

۳ نقطه

افسانه اسب تروآ، ورژن نوروز ۹۶

اندهو اجزا: صابری - مرادی

تازه داماد باس تو دزد و باز دزد عید وقت میره خون
عمه عیالتش، ب چک بی مزه شوهر عمه خانیش کی
رئیس بانک بلند بلند بخنده به خاطر زودتر
گرفتن وام ازدواج، بلکه چون جک هیچین آدم
محترمی صفا خنده داره، حالا آگه ذهن آدم
اهمیتش رو درک نکرد عیب از خودش!

آهیدیم بنودیر
هدیه تا قایق خدمت
شما ...

